گزارش

یک ماه پس از انفجار بمبئی برگزار شد

جشن استقلال هند در سایه تدابیر شدید امنیتی

گروه بین‌الملل: هندوستان در حالی پنجاه‌ونهمین سالگرد استقلال خود را جشن گرفت که تدابیر شدید امنیتی در شهرهای بزرگ این کشور برقرار بود و صدها هزار تن از نیروهای پلیس در مناطق مختلف هند مستقر شده و تک تیراندازهای پلیس بر بام بسیاری از خانه‌ها آماده مقابله با هر تهدید تروریستی بودند. مراسم جشن استقلال هند یک ماه پس از وقوع انفجار در بمبئی که به کشته شدن ۲۰۷ نفر انجامید، برگزار شد. گزارش سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی هند حاکی از احتمال تلاش برخی گروه‌های شبه‌نظامی برای طرح‌ریزی حملات جدید در زمان برگزاری این جشن بود. سفارت آمریکا در هند نیز هفته گذشته هشدار داده بود که امکان دارد گروه‌های وابسته به القاعده هتل‌ها، فرودگاه‌ها یا اماکن تاریخی را در دهلی‌نو، بمبئی و شهرهای مهم دیگر هند هدف قرار دهند. در دهلی‌نو، نیروهای امنیتی هند تمام جاده‌های منتهی به «قلعه سرخ»- بنای سنگی ساخته شده توسط امپراتوری‌های مغول در قرن هفدهم میلادی- را بستند و در این مکان، «مان‌موهان سینگ» نخست‌وزیر هند همزمان با به اهتزاز درآوردن پرچم هند، ملت این کشور را خطاب قرار داد. تدابیر امنیتی بی‌سابقه‌ای همزمان با این جشن ملی هند، برقرار شده بود. در شهر دهلی‌نو با جمعیت ۱۴ میلیون نفری، بیش از شصت هزار نیروی پلیس و نیروی شبه‌نظامی مستقر شده بودند. در بخش تحت کنترل هند در کشمیر نیز پلیس هند ۱۵۰ تن از شبه‌نظامیان را به منظور مقابله با خشونت‌های احتمالی بازداشت کرد و خدمات تلفن همراه نیز در این منطقه کاملاً قطع شده بود تا احتمال هر حمله‌ای کاهش یابد. «مان‌موهان سینگ» در سخنرانی خود به مناسبت جشن استقلال هند گفت تروریست‌ها در تلاش هستند اقتصاد شکوفای هند را از مسیر موفقیت خارج کنند و به مناقشات قومی و مذهبی دامن بزنند. او بار دیگر از آنچه «ناکامی پاکستان در کنترل گروه‌های تروریستی» می‌خواند به شدت انتقاد کرد و گفت این شرایط باعث شده که مذاکرات صلح میان دو کشور متوقف شود. هند پیشتر نیز اعلام کرده بود گروه‌های شبه‌نظامی پاکستان، مسئول بمب‌گذاری یازدهم ژوئیه در بمبئی هستند. همزمان با ایراد این سخنرانی، تدابیر امنیتی شدیدی نیز در مراکز و تاسیسات هسته‌ای هند برقرار شد. «مان‌موهان سینگ» در عین حال در سخنان خود وعده داد که فعالیت گروه‌های شبه‌نظامی در این کشور را خنثی و برای متلاشی کرد این گروه‌ها تلاش کند. وی از پاکستان نیز خواست برای مقابله با تروریسم در مناطق مرزی میان دو کشور تلاش کند. «سینگ» هدف تروریست‌ها از چنین اقداماتی را از بین بردن وحدت و دامن زدن به اختلافات عنوان کرد. نخست‌وزیر هند همچنین گفت: «ما نمی‌گذاریم چنین اتفاقی بیفتد زیرا نمی‌خواهیم ساختار سکولار کشورمان از بین برود. به همین جهت از هیچ تلاشی برای حصول اطمینان از نابودی تروریسم در منطقه فروگذار نخواهیم کرد.» مان‌موهان سینگ همچنین هشدار داد که هیچ چیز نمی‌تواند اراده هند را درهم بشکند و این کشور را به زانو درآورد. به هنگام سخنرانی سینگ در قلعه سرخ، ۱۰ هزار نفر از نیروهای امنیتی هند از این منطقه حفاظت می‌کردند. در همین حال مسئله کشمیر نیز از دیگر محورهایی بود که در سخنان «مان‌موهان سینگ» مطرح شد. هند در سال ۱۹۴۷ میلادی استقلال خود را به‌دست آورد و از استعمار انگلیس رهایی یافت. اما هند و پاکستان از آن سال تاکنون سه‌بار با یکدیگر جنگیده‌اند که دو جنگ بر سر کشمیر در گرفته است. مذاکرات صلح این دو کشور نیز در سال ۲۰۰۴ میلادی آغاز شده بود که اکنون متوقف شده است.

ادامه سرمقاله

۳- خطای دیگر اسرائیل در این جنگ که به لحاظ پیامدها و مفاهیم آن استراتژیک محسوب می‌شود، این بود که در روزهای اولیه جنگ و هنگام بروز نشانه‌های اولیه دشواری‌های ماشین جنگی اسرائیل در مقابله با جنگجویان حزب‌الله تبلیغات خود را روی این نکته متمرکز کرد که ارتش اسرائیل در واقع با دو نیروی مهم منطقه‌ای یعنی سوریه و ایران در حال جنگ بوده و حزب‌الله لبنان به نیابت از دمشق و تهران می‌جنگد. طرح این مسئله در میان نظامیان آن هم به منظور بالا بردن روحیه جنگی و دست‌کم نگرفتن نیروی مقابل مقوله‌ای شناخته شده در جنگ‌ها بوده و قابل درک است. حتی ترویج این معادله به وسیله ماشین تبلیغاتی اسرائیل برای کاهش تاثیر منفی روانی ناتوانی «ارتش شکست‌ناپذیر» در مقابله با یک نیروی کوچک متخاصم، قابل فهم است، اما طرح این معادله به وسیله سیاستمداران ارشد رژیم تل‌آویو آن هم به صورت رسمی چیزی جز سرایت ناتوانی ارتش اسرائیل در مقابله با حزب‌الله لبنان به بدنه سیاسی و حکومتی اسرائیل در هدایت و مدیریت راهبردی جنگ معنا نمی‌دهد، زیرا مطابق این معادله ترویجی رهبران تل‌آویو، اسرائیل پیشاپیش و به‌طور ضمنی به شکست خود در برابر ایران و سوریه اعتراف کرده است. البته ترویج معادله مزبور به وسیله رهبران اسرائیل توجیه و علت دیگری هم دارد و آن اینکه رژیم صهیونیستی با هیچ منطق و معیار اخلاقی و ابتدایی‌ترین اصول حاکم بر جنگ‌های متعارف، قادر نبود دامنه وحشی‌گری نظامی‌اش را علیه غیرنظامیان و زیرساخت‌های کشور کوچک لبنان آن هم در یک جنگ کاملاً نابرابر (در سه عنصر توان هوایی، دریایی و زمینی) در میان افکار عمومی خانواده بین‌المللی توجیه کند. از این رو و با کشاندن شبح سوریه و ایران به جنگ ۳۳ روزه خود قصد داشت به صورت مجازی هم که شده وجود نوعی موازنه قوا را در اذهان عمومی القا کند. خطاهای یاد شده در کنار ده‌ها خطای محاسبه دیگر اسرائیل، روند و نتایج جنگ را به کلی دگرگون کرد و حزب‌الله لبنان را به یک معادله دشوار تبدیل کرد. از این پس باید صحنه سیاسی اسرائیل را زیرنظر گرفت که چگونه و با چه سازوکاری با پیامدهای این جنگ و معادلات جدید منطقه‌ای دست و پنجه نرم خواهد کرد. سایه جنگ اخیر اسرائیل و شاید آخرین جنگ اسرائیل در خاورمیانه تا سال‌ها گریبان دو نهاد سیاسی و نظامی اسرائیل را خواهد گرفت. در میان‌مدت سقوط دولت اولمرت و بازگشت جناح راست افراطی به رهبری نتانیاهو به قدرت یکی از احتمالات جدی است، اما در بلندمدت اسرائیل در جست‌وجوی یک فرصت برای دستیابی به یک پیروزی سیاسی حتی به صورت مجازی و جبران شکست استراتژیک خود در جنگ لبنان خواهد بود. یکی از کارشناسان مرکز مطالعات استراتژیک الاهرام مصر گفته است: وقتی آمریکا در جنگ لبنان بمب‌های هوشمند را به دست آدم‌های غیرهوشمند اسرائیلی می‌سپارد، نتیجه‌ای جز آنچه می‌بینیم به دست نخواهد آمد.

کشورهایی که بیشترین کمک را از آمریکا دریافت می‌کنند

علی جمال‌الدین
ترجمه: محمد مالکی

مصر از جمله باسابقه‌ترین کشورهای عربی است که از کمک‌های مالی آمریکا استفاده می‌کند. این امر از زمانی شروع شد که «جان اف کندی» به کاخ سفید راه یافت و سیاست همکاری با مصر را در پیش گرفت. اما این روند در زمان ریاست جمهوری «جانسون» متوقف شد ولی کمک‌های آمریکا به مصر در سال ۱۹۷۶ از سر گرفته شد و تا به امروز ادامه دارد. مصر در حدود ۱/۳ میلیارد دلار به صورت کمک‌های نظامی و نزدیک به ۵۰۰ میلیون دلار کمک‌های غیرنظامی از آمریکا دریافت می‌کند. مصر یکی از پنج کشور عربی محسوب می‌شود که در چارچوب برنامه فرعی «آژانس کمک‌رسانی بین‌المللی» از آمریکا مساعدت‌های مالی دریافت می‌دارد. این برنامه در ابتدا به علت انعقاد معاهده صلح مصر و اردن با اسرائیل، فقط شامل این دو کشور عربی می‌شد، ولی بعد از گسترش این برنامه، مراکش، حکومت خودگردان فلسطین، لبنان و تونس هم زیر پوشش فعالیت‌های این آژانس قرار گرفتند. همچنین «آژانس آمریکایی توسعه بین‌المللی»، ده کشور عربی را در میان ۹۲ کشور که این آژانس بر برنامه‌های کمک‌رسانی آنها نظارت دارد در لیست خود درج کرده است. اما برخی گزارش‌ها خاطرنشان می‌سازد که بعضی از این کشورهای عربی مدت زمانی است که هیچ کمکی دریافت نمی‌کنند. این ده کشور عبارتند از: مصر، عراق، اردن، لبنان، مراکش، سومالی، سودان، حکومت خودگردان فلسطین و یمن. الجزایر را هم باید به این جمع افزود که بر طبق گزارش‌های این آژانس از سال ۲۰۰۳ تاکنون هیچ کمکی دریافت نکرده است.

■ کاهش تدریجی

«آژانس آمریکایی توسعه بین‌المللی» کشورهای دریافت‌کننده کمک‌ها را به صورت عادلانه اولویت‌بندی نمی‌کند. همچنین گزارش‌ها و برداشت‌های گمراه‌کننده‌ای در مورد میزان کمک‌های این آژانس وجود دارد که به طور مثال، مقایسه بین میزان کمک‌های دریافتی کشورهای عربی و میزان کمک‌های پرداخت شده به اسرائیل را امکان‌پذیر نمی‌سازد. به صورتی که در بیشتر اوقات اسرائیل و بعضی از کشورهای عربی در یک جایگاه برابر قرار می‌گیرند. گزارش‌های منتشر شده توسط «آژانس آمریکایی توسعه بین‌المللی» یک کاهش تدریجی را در میزان کمک‌های دریافتی کشورهای عربی از سال ۲۰۰۳ تاکنون نشان می‌دهد. این کشورها در سال ۲۰۰۳ بیش از ۴ میلیارد دلار کمک مالی دریافت کردند. این رقم کاهش یافت تا اینکه در سال ۲۰۰۵ به دو میلیارد و ۲۵ میلیون دلار رسید. شواهد متعددی نشان می‌دهد که این روند کاهشی در سال‌های آینده هم ادامه خواهد یافت. این ارقام، عدم تناسب بین کمک‌های آمریکا و فشارهای سیاسی این کشور را نشان می‌دهد. گزارش‌های به دست آمده از منابع «آژانس آمریکایی توسعه بین‌المللی» کاهش میزان کمک‌های دریافتی اسرائیل را به مانند کشورهای عربی نشان می‌دهد. میزان کمک‌های ارائه شده به اسرائیل از ۷۲۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۲ به ۳۶۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۵ رسیده است. اما باید این نکته را در نظر گرفت که این رقم شامل کمک‌های نظامی نمی‌شود و همچنین این رقم تا پایان سال ۲۰۰۵ میلادی محاسبه شده است. در حالی که تحولات جدید نشان می‌دهد که اسرائیل بر اساس بودجه در نظر گرفته شده برای کمک‌های خاورمیانه در سال جاری میلادی، ۲/۳ میلیارد دلار کمک نظامی به صورت غیرمشروط دریافت کرده است که این رقم یک افزایش ۶۰ میلیون دلاری را نسبت به بودجه سال ۲۰۰۵ نشان می‌دهد. به این رقم، ۲۴۰ میلیون دلار کمک‌های اقتصادی را باید افزود. بعضی از کارشناسان، میزان کمک‌های رسمی آمریکا به اسرائیل از زمان تاسیس این کشور در سال ۱۹۴۸ تا پایان سال ۲۰۰۵ میلادی را بیش از ۱۱۴ میلیارد دلار برآورد کرده‌اند. از سوی دیگر قابل ذکر است که کنگره آمریکا در سال گذشته، مبلغی را که جورج بوش برای اجرای پروژه‌های بازسازی در عراق درخواست کرده بود از ۴۵۹ میلیون دلار به ۶۱ میلیون دلار کاهش داد. برخی این امر را این‌گونه تفسیر کردند که نیروهای آمریکایی برای کسب پول بیشتر به عراق رفتند و نه برای خرج کردن پول. موضوع جالب توجه این است که فشارهای سیاسی آمریکا بر اعراب و اسرائیل با میزان کمک‌های دریافتی این دو نسبت عکس دارد. به این صورت که در مورد اعراب، فشارهای سیاسی زیاد آمریکا با میزان کمک‌های رو به کاهش همراه است. ولی کمک‌های دریافتی اسرائیل رو به افزایش و فشارهای آمریکا بر این رژیم در حال کاهش است. فلسطین، بارزترین نمونه‌ای است که در آن ایالات متحده آمریکا می‌کوشد که از کمک‌های اقتصادی خود برای فشار آوردن به حکومت‌ها جهت تغییر دادن مواضع آنها استفاده کند. واشینگتن، شناسایی اسرائیل توسط حماس را به عنوان شرط اصلی ادامه کمک‌ها به حکومت خودگردان فلسطین تعیین کرد. قبل از این هم در قضیه زندانی شدن دکتر «سعدالدین ابراهیم» مدیر مرکز ابن‌خلدون و قضیه قبطی‌ها در مصر هم این رویه را در پیش گرفت و اخیراً هم برای پیشبرد اصلاحات در مصر از این حربه سود برده است. نقش آمریکا در این زمینه، با در نظر گرفتن نفوذ این کشور در موسسات اقتصادی بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بیشتر آشکار می‌شود. این موضوع را دکتر «عماد سعید لبد» در تحقیقی که حکومت خودگردان فلسطین آن را منتشر کرده است به تفصیل تشریح می‌کند. وی در این پژوهش، میزان کمک‌های ارائه شده به مصر و حکومت خودگردان فلسطین از یک سو و اسرائیل از سوی دیگر را مقایسه کرده است.

■ مهم‌ترین کشورهای ارائه‌دهنده کمک‌های مالی

ایالات متحده آمریکا در راس کشورهای کمک‌کننده چه در سطح حکومتی و چه در سطح سازمان‌های بین‌المللی قرار دارد. بعد از آمریکا، اتحادیه اروپا و ژاپن در رده‌های بعدی جای می‌گیرند. شواهد حاکی است که کمک‌های ایالات متحده آمریکا به طور مستمر در حال کاهش یافتن است و این روند دو علت عمده دارد. اولین علت به کسری بودجه آمریکا مربوط می‌شود. سفیر آمریکا در قاهره چندی پیش به این موضوع اشاره کرد. وی اظهار نمود که کاهش کمک‌های مالی آمریکا امری است منطقی که به کسری بودجه ایالات متحده بازمی‌گردد. او اضافه کرد: یک توافقنامه در سال ۱۹۹۸ در مورد کاهش کمک‌های مالی با مصر منعقد شد که براساس آن کمک‌های اقتصادی آمریکا به مصر از آن زمان روند کاهشی به خود گرفت، در حالی که میزان کمک‌های نظامی ثابت ماند. قرار است که کمک‌های اقتصادی آمریکا به مصر تا سال ۲۰۰۸ به این روند کاهشی خود ادامه دهد. علت دوم، افزایش فشارهای نمایندگان یهودی در کنگره و پررنگ‌تر شدن نقش لابی یهودی در آمریکا است. قابل ذکر است که هواداران اسرائیل در کنگره برای کاهش کمک‌های نظامی آمریکا به کشورهای عربی هم تلاش می‌کنند. «تام لانتوس» یکی از نمایندگان کنگره طی سخنانی در کمیسیون روابط خارجی کنگره اظهار کرد که «ما بودیم که باعث شدیم توانایی‌های نظامی مصر پیشرفت کند و این امر از اختصاص دادن نادرست کمک‌های ما ناشی می‌شود.» بر طبق گفته‌های «فرانسیس ریچارد» سفیر آمریکا در قاهره، کاهش کمک‌های پرداختی آمریکا در تمام نقاط جهان اعمال می‌شود و مصر هم از این قاعده مستثنی نیست.

■ نهادهای نظارت‌کننده

«آژانس توسعه بین‌المللی» بر پرداخت کمک‌های غیرنظامی که کنگره آنها را تصویب می‌کند، نظارت دارد. «آژانس توسعه بین‌المللی»، موسسه‌ای است که در سپتامبر ۱۹۶۱ به منظور پیشبرد استراتژی‌های غیرنظامی آمریکا در تمام نقاط جهان تاسیس شد. این موسسه یک موسسه دولتی است و جزیی از «آژانس همکاری و توسعه» آمریکا به حساب می‌آید. داستان تاسیس «آژانس توسعه بین‌المللی» به طرح مارشال برای بازسازی اروپا بعد از جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد. موضوعی که شاید خیلی‌ها از آن اطلاع ندارند این است که این آژانس در راستای اجرای برنامه‌ای به نام «اصل چهارم» توسعه پیدا کرد. هدف این برنامه، ارائه کمک‌های مالی آمریکا برای پیشرفت دانش و تکنولوژی در تمام نقاط جهان بود. این برنامه به علت گنجانده شدن به عنوان اصل چهارم در برنامه «ترومن» رئیس جمهور آمریکا در سال ۱۹۴۹، به هنگام رسیدن وی به ریاست جمهوری به نام «اصل چهارم ترومن» خوانده می‌شود. «آژانس توسعه بین‌المللی» بر کیفیت پرداخت کمک‌های آمریکا به کشورهای مختلف به طور مستقیم نظارت می‌کند و فعالیت‌های آن، کمک‌های آمریکا در چارچوب برنامه‌ها و موسسات بین‌المللی دیگر را دربرنمی‌گیرد. این آژانس بر پرداخت کمک‌های آمریکا به ۸۰ کشور جهان، ازجمله وام‌های اقتصادی اشراف دارد. با توجه به نام اصلی این آژانس یعنی Agency For International Development خیلی‌ها به اشتباه سه حرف اصلی «AID» را از نام آژانس گرفته و آن را هیات کمک‌رسانی می‌نامند. کشورهای دریافت‌کننده کمک‌ها این نوع نامگذاری اشتباه را اهانت‌آمیز می‌دانند چون از آن نوعی رابطه درماندگی و نیازمندی استنباط می‌شود و نه کمک و همبستگی بین‌المللی.

■ کمک‌های مشروط

کمک‌های آمریکا به مواردی مانند کشاورزی، تغذیه، بهداشت، آموزش، برنامه‌ریزی شهری و احیای بازار تعلق می‌گیرد. همچنین این کمک‌ها به سازماندهی سیستم‌های اقتصادی در حال توسعه اختصاص می‌یابد. این آژانس بر برنامه‌های امدادرسانی حوادث طبیعی، طرح‌های آبرسانی و برنامه‌های «غذا برای صلح» با همکاری وزارت کشاورزی آمریکا نظارت دارد. فعالیت‌های آژانس، برنامه حمایت‌های تکنولوژیک و علمی و پشتیبانی از سازمان‌های زنان را هم شامل می‌شود. در دهه هشتاد میلادی قرن گذشته، این آژانس رویه تازه‌ای در پیش گرفت و ارائه کمک‌های خود را مشروط به این امر کرد که این کمک‌ها در راه‌های تحکیم دموکراسی و تقویت بازارهای آزاد و بخش خصوصی خرج شود. بعد از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، وظیفه آژانس سنگین‌تر شد و خود را در برابر ماموریت دشواری یافت. از آن زمان، آژانس حمایت از فرآیند گذار به بازار آزاد در تمام جمهوری‌های تازه استقلال یافته شوروی سابق را برعهده گرفت و این امر باعث افزایش میزان کمک‌های مالی آژانس شد. همچنین علاوه بر اهداف قبلی آژانس، اهداف جدیدی مانند حمایت از برنامه‌های خصوصی‌سازی، کمک به نهادهای جامعه مدنی، یاری رساندن به اصلاحات اجتماعی و تشویق سیاست‌های حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی به لیست اهداف آژانس افزوده شد.

■ حوزه‌های فعالیت

این آژانس گستره فعالیت‌های خود را به ۴ حوزه عمده تقسیم می‌کند. اولین حوزه، قاره آفریقا است. بیشترین تمرکز در این حوزه بر کشورهای واقع در جنوب صحرای بزرگ است. حوزه دوم شامل آسیا و خاور دور است. کشورهای آمریکای لاتین در حوزه سوم قرار می‌گیرند و آخرین حوزه، کشورهای اروپایی و آسیای مرکزی را دربرمی‌گیرد. تقسیم کار در هر یک از این حوزه‌ها، برحسب انواع کمک‌های در نظر گرفته شده انجام می‌شود و برحسب اهمیت، اولویت‌بندی کمک‌ها صورت می‌گیرد. کمک‌های نوع اول به حمایت از رشد اقتصادی، کشاورزی و تجارت اختصاص می‌یابد. کمک‌های نوع دوم فقط شامل کمک‌های بهداشتی می‌شود و کمک‌های نوع سوم به تقویت دموکراسی، جلوگیری از منازعات و رعایت حقوق بشر تعلق می‌گیرد.

■ قله هرم

در کنفرانس زمین که سال ۱۹۹۲ در «ریودو ژانیرو» برپا شد، تصمیم گرفته شد که طرحی سازماندهی شود که بر اساس آن ۰/۷ درصد از درآمد ناخالص ملی کشورهای ثروتمند به عنوان کمک به کشورهای فقیر اختصاص یابد. به رغم اینکه ایالات متحده آمریکا بر حسب میزان درآمد ملی یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان به حساب می‌آید اما کمک‌های این کشور هیچ‌گاه به میزان مشخص شده در کنفرانس ریودو ژانیرو نرسید. اما نباید انکار کرد که ایالات متحده آمریکا بر قله هرم مخصوص کشورهای کمک‌کننده قراردارد و بر طبق گزارش «سازمان همکاری اقتصادی و بین‌المللی» میزان کمک‌های آمریکا در سال ۲۰۰۳ به ۱۶/۲۵۴ میلیارد دلار رسید. بعد از آمریکا به ترتیب کشورهای ژاپن، آلمان، انگلیس و فرانسه قرار می‌گیرند.

■ رده‌بندی ناعادلانه

برخی اعتقاد دارند که این رده‌بندی ناعادلانه است. آنها اظهار می‌کنند که اگر میزان کمک‌ها را نسبت به درآمد ناخالص ملی این کشورها بسنجیم، آمریکا بر طبق آمار سال ۲۰۰۵ در رتبه بیستم قرار خواهد گرفت و این سوئد است که مقام اول را به خود اختصاص می‌دهد. میزان کمک‌های پرداختی سوئد ۰/۵ درصد درآمد ناخالص ملی این کشور است. بعد از این کشور دانمارک، هلند، نروژ و فرانسه در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند. اما میزان کمک‌های پرداختی آمریکا در حدود ۰/۰۷ درصد درآمد ناخالص ملی این کشور است. (نمودار شماره ۱) در سال جاری یک بودجه ۴/۲۲ میلیارد دلاری به «آژانس کمک‌های بین‌المللی» آمریکا اختصاص داده شده است که از این میزان در حدود ۱/۲۵۲ میلیارد دلار به امور کودکان و بهداشت تعلق گرفت و این امور برای این آژانس در صدر اولویت‌ها قرار داشت. یک میلیارد و ۱۰۳ میلیون دلار هم برای طرح‌های توسعه خرج شد و ۶۵۵/۵ میلیون دلار از این کمک‌ها هم صرف رسیدگی به حوادث طبیعی و مبارزه با گرسنگی شد. همچنین برنامه «غذا برای صلح» ۸۵۵ میلیون دلار را به خود اختصاص داد. ولی این امر به این معنی نیست که فعالیت‌های آژانس در این حد باقی بماند. این آژانس با دیگر موسسات آمریکایی در اجرای برنامه‌های دیگر مثل حمایت از دموکراسی در کشورهای اروپای شرقی مشارکت دارد و در حدود ۳۸۲ میلیون دلار به این امر اختصاص داده شد. همچنین برای طرح‌های حمایت از آزادی، ۴۸۲ میلیون دلار در نظر گرفته شده است. سرمایه‌گذاری روی پروژه‌های اقتصادی هم جزء فعالیت‌های این آژانس است.

■ کمک‌رسانی یا کسب اطلاعات

بزرگ‌ترین انتقاد به رابطه بین «آژانس کمک‌های بین‌المللی» آمریکا و سازمان سیا وارد شده است. خیلی از مقامات رسمی آمریکا به وجود این رابطه اعتراف می‌کنند ولی اصرار می‌ورزند که زمان این رابطه گذشته است و اکنون چنین رابطه‌ای وجود ندارد. اما از سوی دیگر برخی از کارشناسان آمریکایی تاکید می‌کنند که این رابطه تاکنون ادامه دارد. روزنامه‌های آمریکایی فاش ساختند که بعضی از اعضای سیا در سال‌های بین ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۷ تحت پوشش پروژه‌هایی که «آژانس کمک‌های بین‌المللی» در ویتنام بر آنها اشراف داشت به فعالیت پرداخته بودند. «لویس وولف» یکی از روزنامه‌نگاران آمریکایی از این رسوایی بزرگ پرده برداشت. یکی از موسسات انتشاراتی آمریکا در سال ۱۹۶۷ به سرمایه‌گذاری مخفی سیا روی بعضی از هیات‌های فعالیت داوطلبانه از طریق «آژانس کمک‌های بین‌المللی» پی برد. این قضیه در روزنامه‌های آمریکایی بازتاب گسترده‌ای یافت به طوری که «جانسون» رئیس جمهور آمریکا دستور داد که فوراً این کمک‌های مخفی متوقف شوند. بازتاب گسترده این رسوایی باعث فروپاشی ارزش‌های آمریکایی در داخل و خارج این کشور شد. این اتهامات در سال ۲۰۰۰ توسط یک روزنامه‌نگار «رونالد سیمبوکان» تکرار شد. وی در یک سخنرانی در دانشگاه فیلیپین اعلام کرد که با یکی از مدیران سابق دیدار داشته و این مدیر سابق به او گفته است که سیا موفقیت‌های بزرگی را از طریق استفاده از برنامه‌های تحت نظارت «آژانس کمک‌های بین‌المللی» آمریکا در مانیل کسب کرد. در سال ۲۰۰۲ این تهمت‌زنی‌ها از سوی عده‌ای از روزنامه‌نگاران آمریکایی ادامه یافت. آنها اظهار داشتند که «آژانس کمک‌های بین‌المللی» چیزی جز یکی از بخش‌های تابع سازمان سیا نیست و برنامه‌های کمک‌رسانی در ونزوئلا با هدف ساقط کردن حکومت «هوگو چاوس» انجام شده است. توضیحات نمودار شماره ۱: این نمودار رده‌بندی کشورها براساس کمک‌های آنها نسبت به درآمد ناخالص ملی را نشان می‌دهد که آمریکا در این رده‌بندی در رده بیستم قرار گرفته است.

منبع: المجله

پس از دیدار کویزومی از معبد یاسوکونی صورت گرفت

اعتراض شدید همسایگان ژاپن

گروه بین‌الملل: دیدار جونیچیرو کویزومی نخست‌وزیر ژاپن از معبد یاسوکونی در سال‌روز شکست ژاپن در جنگ جهانی دوم اعتراض گسترده همسایگان این کشور از جمله چین و کره جنوبی را برانگیخت. به گزارش خبرگزاری فرانسه این اولین بار ظرف ۲۱ سال گذشته است که یک نخست‌وزیر ژاپن درست در سال‌روز تجمع کهنه‌سربازان و ملی‌گراهای ژاپنی در معبدی که یادآور گذشته توسعه‌طلبی نظامی این کشور است، از این محل دیدار می‌کند. کویزومی که ماه آینده از قدرت کناره می‌گیرد، روز گذشته به همراه یک راهب شینتو در معبد یاسوکونی در مرکز توکیو حضور یافت و به مدت ۱۰ دقیقه به دعا و ادای احترام پرداخت. چین و کره جنوبی در اعتراض به این اقدام نخست‌وزیر ژاپن، سفرای این کشور را احضار کردند ولی کویزومی که طی دوران زمامداری پنج ساله‌اش پیوسته سیاست‌های جسورانه‌تری را دنبال کرده است، بلافاصله به اعتراض همسایگان کشورش پاسخ گفت و انتقادات آنها را ناپخته خواند. نخست‌وزیر ژاپن به خبرنگاران گفت: منتقدانم به من می‌گویند نباید به هیچ کاری که موجب ناراحتی چین و کره جنوبی می‌شود دست بزنم ولی فکر نمی‌کنم این مطلب لزوماً درست باشد. کویزومی که یکی از متحدین نزدیک جورج بوش است افزود: اگر بوش رئیس جمهوری آمریکا به من بگوید که نباید به معبد بروم، فکر می‌کنید من از تصمیم خود برمی‌گردم؟ به هیچ وجه. حتی در این صورت هم به معبد می‌روم. ولی بوش هیچ‌گاه چنین حرف ناپخته‌ای نمی‌زند. معبد یاسوکونی که یادبود ۲/۵ میلیون کشته جنگ و ۱۴ جنایتکار جنگی برجسته در جنگ جهانی دوم است، در طول این جنگ ستون معنوی جنگجویان و خلبانان انتحاری ژاپن به شمار می‌رفت. نخست‌وزیر ژاپن از زمان رسیدن به قدرت در سال ۲۰۰۱ سالی یک بار از معبد یاد شده بازدید کرده بود ولی این دیدارها هیچ کدام در ۱۵ آگوست سالروز تسلیم هیروهیتو امپراتور ژاپن در ۱۹۴۵ صورت نگرفته بود. با این حال کویزومی چندان فرقی میان دیدارش از معبد در این تاریخ با دیدارش در تاریخ‌های دیگر قائل نشد و گفت: «حتی اگر من در ۱۵ آگوست (دیروز) از رفتن به معبد خودداری می‌کردم باز هم همیشه کسانی و نیروهایی هستند که از من انتقاد می‌کنند و می‌کوشند تا پای این موضوع را به میان بکشند. با توجه به اینکه هرگاه به معبد بروم فرقی در قضیه نمی‌کند، پس فکر می‌کنم امروز روز مناسبی است.» این در حالی است که چین بی‌درنگ واکنش اعتراض‌آمیز شدیدی به بازدید کویزومی از معبد نشان داد و وزیر خارجه این کشور گفت که این دیدار عدالت بین‌المللی را به چالش کشیده و وجدان بشری را لگدمال می‌کند. در همین حال ده‌ها تن از ملی‌گرایان چینی هم به نشانه اعتراض در بیرون سفارت ژاپن در پکن تجمع کردند. کره جنوبی نیز به خاطر شرکت کویزومی در این مراسم ابراز ناامیدی و ناراحتی عمیق کرد. تایوان و سنگاپور نیز که همچون همسایگان دیگر ژاپن در زمان جنگ جهانی دوم توسط ارتش این کشور اشغال شده بودند اعتراض معتدل‌تری کردند و مالزی و هنگ‌کنگ نیز شاهد اعتراض‌های مردمی بودند. کویزومی مدعی است که بازدید او به یادبود تمامی کشته‌شدگان جنگ بود و نه لزوماً جنایتکاران جنگی مانند هیدکی توجو نخست‌وزیر حلق‌آویز شده ژاپن که فرمان حمله به بندر پرل‌هاربور را صادر کرده بود. این در حالی است که چین و کره جنوبی معتقدند این بازدیدها بیانگر آن است که دولت ژاپن به‌طور کامل نسبت به تجاوزات گذشته خود متاسف نیست. بازدید کویزومی از معبد یاسوکونی همچنین در داخل ژاپن نیز انتقاداتی را در پی داشت. تاکه نوری کانزاکی رهبر حزب جدید کومیی یکی از احزاب موتلف با حزب کویزومی ساداکازو تاینگاکی وزیر دارایی ژاپن هر دو از اقدام کویزومی انتقاد کردند. اما طرفداران کویزومی این بازدیدها را جزء امور داخلی ژاپن دانستند و بازماندگان جنگ و راست‌گرایان افراطی نیز دیروز (سه‌شنبه) در معبد تجمع کردند و برخی از تجمع‌کنندگان پلاکاردهایی را در دست داشتند که بر روی آنها نوشته شده بود: جنگ بزرگ شرق آسیا یک تجاوز نبوده است.

خبرها

انتقال تجهیزات جنگی آمریکا به اسرائیل با موافقت آنکارا

ایسنا: منابع آگاه در ترکیه تاکید کردند که انتقال تجهیزات جنگی به اسرائیل از طریق این کشور با موافقت دولت آنکارا صورت گرفته است. به نوشته روزنامه الاهرام - چاپ مصر - روزنامه جمهوریت به نقل از منابع آگاه در دولت ترکیه اعلام کرد: انتقال تجهیزات جنگی از جمله موشک‌های بتون‌شکن آمریکا به اسرائیل از طریق پایگاه اینجرلیک ترکیه با موافقت دولت ترکیه همراه بوده است. این منابع تاکید کردند که بنابر موافقت دولت ترکیه از ناوهای این کشور برای انتقال تجهیزات جنگی از طریق بندر مرسین استفاده شده و ارتش و نیروهای امنیتی ترکیه حمایت کامل از این اقدام را برعهده داشتند. جمهوریت به نقل از این منابع آگاه نوشت: دولت ترکیه در راستای همکاری‌های نظامی خود با آمریکا با این امر موافقت کرده و پایگاه اینجرلیک به یک پایگاه لجستیک برای حمایت از اسرائیل در جنگ علیه لبنان تبدیل شده بود. این در حالی است که سخنگوی وزارت امور خارجه ترکیه این موضوع را رد کرده است.

تدابیر امنیتی ویژه در پایتخت بنگلادش

ایرنا: با آغاز اعتصاب عمومی در بنگلادش که به دعوت مخالفان دولت صورت گرفته است، حدود ۱۰ هزار نیروی امنیتی روز سه‌شنبه در «داکا» پایتخت این کشور مستقر شدند. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس از داکا، «عوامی لیگ» حزب اصلی مخالف دولت بنگلادش که خواستار اعلام تعطیلی عمومی در سالگرد مرگ «شیخ مجیبور رحمان» بنیانگذار این حزب و اولین رئیس جمهور بنگلادش است، از مردم برای برپایی این اعتصاب نیم‌روزه دعوت کرده بود. وزارت کشور بنگلادش گفت که حدود ۱۰ هزار تن از افراد پلیس و گروه‌های شبه‌نظامی بنگلادش در اطراف شهر ۱۰ میلیونی داکا مستقر می‌شوند تا نظم را در طول اعتصاب حفظ کنند. نیروهای امنیتی با ایجاد موانعی از سیم خاردار در خیابان‌های شهر، درصدد جلوگیری از برگزاری راهپیمایی و تظاهرات معترضان برآمده‌اند، اما هنوز هیچ گزارشی از برخورد و درگیری دریافت نشده است. موسسات، مدارس و فروشگاه‌های غیردولتی در داکا تعطیل شده‌اند، اما موسسات دولتی همچنان فعال هستند. رحمان که رهبری بنگلادش را در جریان استقلال این کشور از پاکستان در سال ۱۹۷۱ میلادی به عهده داشت، ۱۵ اوت ۱۹۷۵ در جریان یک کودتای نظامی کشته شد. منتقدان معتقد بودند که رحمان در اواخر دوران حیاتش به یک حاکم مستبد تبدیل شده بود. در زمان نخست‌وزیری «شیخ حسینه» دختر رحمان در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ میلادی، سالگرد مرگ رحمان «روز سوگواری ملی» شناخته می‌شد و به همین مناسبت تعطیلی عمومی اعلام و مراسم رسمی برگزار می‌شد. اما پس از به قدرت رسیدن «خالده ضیا» در سال ۲۰۰۱ میلادی این تعطیلی لغو شد و حزب عوامی لیگ به رهبری شیخ حسینه از آن زمان تاکنون هر ساله اعتصابی را در این روز برپا می‌کند. عوامی لیگ همچنین خواستار اعدام فوری ۱۲ افسر سابق ارتش است که به جرم قتل رحمان و ۱۵ تن از اعضای خانواده‌اش،